

بررسی و تحلیل وجوه فضل در تفسیرهای عرفانی

مکرم محمدنیا کلیمانی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۳

حسین مرادی زنجانی**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۵

محمدحسین صائنی***

فرهاد ادربیسی****

چکیده

فضل، واژه و اصطلاحی دینی- قرآنی و نیز یکی از صفات خداوند است. مفسران و راویان بسیاری به ابعاد گوناگون این مفهوم اشاره کرده‌اند و بر اساس آیات قرآن، کیفیت و نحوه بهره‌مندی از آن را برشمرده‌اند. در این بین، مفسران عرفانی که نمود فضل الهی را همسو با مسلک صوفیانه خود دیده‌اند، بحث‌های متعددی را بر اساس کتاب الله مطرح نموده‌اند. در این تحقیق، با عنایت به روش توصیفی- تحلیلی، کاربردی وجوه فضل در تفسیرهای عرفانی و آراء مفسران، بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین وجوه فضل الهی در این آثار عبارت‌اند از ۱. برتری دادن که شامل زیربخش‌هایی چون برتری دادن انسان به دیگر موجودات؛ برتری دادن پیامبران بر دیگر موجودات؛ برتری دادن قوم یهود بر دیگر قوم‌ها و برتری مجاهدان بر ترک‌کنندگان جهاد می‌شود ۲. رزق و روزی ۳. نعمت‌های الهی ۴. پاداش الهی که مهم‌ترین آن، رضوان الهی است و ۵. توبه. در نگاه مفسران، فضل الهی بر عدل الهی ارجحیت دارد که مبین پیشی گرفتن شفقت حق تعالی بر قهریت اوست.

کلیدواژگان: تفسیر، عرفان، فضل، محبت، عدل.

پژوهش‌های مطالعات قرآنی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران. hmoradz@yahoo.com

*** استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

**** دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

نویسنده مسئول: حسین مرادی زنجانی

مقدمه

در قرآن کریم، صفت‌های مختلفی به خداوند نسبت داده شده است. از جمله این موارد، "فضل" است که بیانگر جنبه‌های رحمت ذات مقدس الهی می‌باشد. بررسی این واژه در قرآن نشان می‌دهد که خداوند برای بندگان خود ارزش ویژه‌ای قائل است و انسان را با انواع محبت‌ها و دست‌گیری‌ها حمایت می‌کند و در بزنگاه‌های حساس، یاور اوست. شاید به دلیل نزدیکی این نگاه به مسلک و مرام فکری مبتنی بر تساهل، مدارا و همسوگیری صوفیان باشد که در تاریخ اسلام، تفسیرهای عرفانی متعددی، به طور ویژه و مفصل به مفهوم فضل پرداخته‌اند و دسته‌بندی‌های متنوعی از کیفیت آن ارائه داده‌اند. این واژه کلیدی در همه تفسیرها از جمله متون عرفانی نمود دارد. مفسران سعی کرده‌اند با رویکرد به جهان‌بینی و نحله صوفیانه خود، تعاریف جدیدی از این مفهوم دینی ارائه دهند و ابعاد گوناگون فضل الهی را تبیین کنند. البته، بدیهی است که شالوده فکری این افراد، قرآن کریم و کلام خداوند است. نکته جالب آنکه، در شماری از این تفسیرها، به جوهری از فضل اشاره شده که در قرآن کریم به طور مفصل و جزئی‌نگر بدان پرداخته نشده است که این موضوع، بر جذابیت و بایستگی تحلیل متون تفسیری عرفانی می‌افزاید. در این مقاله، مفهوم عرفان و تصوف در چهارچوب دین اسلام و شریعت نبوی تعریف شده است. بر این اساس، در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها است که:

- مفهوم فضل در تفسیرهای عرفانی به چه شکل تبیین شده است؟

- ارجحیت فصل الهی بر عدل او، مبین چه نکته‌ای می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

در پژوهش‌هایی که از مفهوم فضل در قرآن کریم یاد کرده‌اند، تا کنون از دریچه دانش وجوه قرآن به آن اشاره‌ای نشده و تحلیل‌ها در غالب موارد، سطحی، گذرا و تک‌بعدی بوده است که این موضوع، موجب نوآوری و وجه تمایز مقاله حاضر می‌شود. از میان پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مریم موسوی (۱۳۹۰) در مقاله «مفهوم‌شناسی فضل در قرآن و روایات»، به مواردی چون مصادیق فضل و عوامل برخوردارگی و محرومیت از فضل الهی پرداخته است.

نویسنده این اصطلاح را تنها در متون روایی و قرآن کاویده و اشاره‌ای به آراء مفسران عرفانی در این باره نکرده است. عباس کوثری (۱۳۹۴) در کتاب «فرهنگنامه تحلیل وجوه و نظایر در قرآن»، تنها از برخی کاربردهای فضل در قرآن یاد کرده و به چند مورد دیگر که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده، هیچ اشاره‌ای نکرده است.

مبانی نظری تحقیق

وجوه: دانش وجوه قرآن از شاخه‌های علم تفسیر قرآن محسوب می‌شود که نشان می‌دهد برخی کلمات قرآنی در موقعیت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند، یعنی یک واژه چنان در بافت‌های مستحکم و نفوذناپذیر قرآن جای گرفته است که با وجود همانندی در لفظ و حرکات، در هر بافت و سیاقی از آیات قرآن، معنایی غیر از معنای نخست دارد. همین امر سبب می‌شود که شناخت وجوه و احتمالات، یک ضرورت تفسیری به شمار آید. جلال‌الدین سیوطی در تعریف وجوه می‌گوید: «فالوجوه للفظ المشترك الذی يستعمل فی عدة معان» به معنی «وجوه، لفظ مشترکی را گویند که در چند معنا به کار می‌رود» (سیوطی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱: ۴۸۷). امام علی (ع) نیز، با در نظر گرفتن این موضوع، به ابن عباس بیان می‌دارد که «به سوی آن‌ها (خوارج) برو و به مخاصمه پرداز و با قرآن برای آن‌ها استدلال نکن که قرآن وجوه متعدد دارد، ولی با سنت با آن‌ها مخاصمه کن» (همان: ۴۸۸).

فضل: یکی از مفاهیم و اصطلاحات محوری در قرآن است که عطف و لطف الهی در حق بندگان را بازنمایی می‌کند. در توصیف معنای واژگانی آن، آمده است: «فضل همان معنای مشهور و شناخته‌شده است و فضیلت به معنای درجه و مرتبه و والایی در فضل است» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷: ۴۳). فضل و فضیلت ضد کمی و نقص است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۵۲۴) و به معنای زاد و خیر (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۴: ۵۰۸)، روشن و شناخته‌شده، زیاده از حد اقتصاد و میانه و به هر عطیه‌ای که دادن آن هم واجب نیست می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۳۹). مصطفوی نیز، معنای اصلی آن را زیادی بر آن مقدار لازم و مقرر می‌داند و افضل یعنی بخشش زائد بر مقدار معمول (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۹: ۱۱۵). بر این اساس، می‌توان گفت که فضل همان فزونی، مقدار زائد بر

حد وسط است که بیش تر در چیزهای محمود و پسندیده استعمال می‌شود، چنانکه فضول بر چیزهای مذموم اطلاق می‌گردد (قریب، ۱۳۶۶ ش، ج ۲: ۲۴۶). آنچه از این تعریف‌ها به دست می‌آید این است که فضل الهی حاصل و برآیند کرم حق تعالی و راهی متقن برای ارتقا و کمال مؤمنان مشتاق است. خداوند با گشودن درهای فضیلت بر بندگان شایسته، بسترهای لازم را برای پاک شدن گناهان فراهم می‌کند و خوف آن‌ها را به امید بدل می‌سازد.

کاربست واژه قرآنی «فضل» در تفسیرهای عرفانی

مفسران در تفسیرهای عرفانی خود از مبانی و شالوده‌های صوفیانه در چهارچوب شریعت و دین سخن می‌گویند و مسائل اصلی مورد نظر در این مکتب فکری را تشریح می‌کنند. آیه‌های قرآن یکی از بهترین مصداق‌ها برای اعتبار بخشیدن به هر باور و عقیده‌ای است که در حوزه اسلام جای می‌گیرد. به این معنا که نمایندگان تصوف و عرفان اسلامی سعی می‌کنند مبانی فکری خود را در قالب قرآن تبیین و توجیه کنند. یکی از این مفاهیم، فضل نام دارد که در بازنمایی بخشی از باورهای صوفیانه مؤثر است. مفسران از ظرفیت‌های این اصطلاح که در آیه‌های گوناگون مطرح شده است، استفاده کرده‌اند و پیام مورد نظر خود را به مخاطب انتقال داده‌اند. در این بخش، ابعاد گوناگون کاربرد فضل در قرآن با عنایت به تفسیرهای برجسته عرفانی بررسی و کاویده شده است.

۱. برتری دادن

برسامدترین و مهم‌ترین سویه استفاده از واژه فضل، برتری دادن است. تحلیل آیه‌های قرآن نشان می‌دهد که خداوند مواردی چون برتری بخشیدن انسان به دیگر موجودات، برتری دادن پیامبران بر دیگر موجودات، برتری دادن قوم یهود بر دیگر قوم‌ها، برتری مجاهدان بر ترک‌کنندگان جهاد و برتری مردان بر زنان را با بهره‌گیری از این مفهوم ژرف دینی بازگو کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که نوع بشر (عوام و پیامبران) در هر شرایطی که باشند، در برهه‌هایی از زندگی خود نیاز به حمایت‌های

خداوند دارند و اگر موهبت‌های حق تعالی دست‌گیر آدمی نشود، راه به جایی نخواهد برد. انسان به عنوان موجودی ضعیف، زمانی به برتری خواهد رسید که از خداوند مدد بجوید و فضل الهی شامل حال وی شود. این پیام، لب کلام مفسرانی است که ذیل آیه‌های مرتبط با فضل، سخنانی ارائه داده‌اند.

برتری دادن انسان به دیگر موجودات

خداوند متعال در قرآن کریم در ارتباط با مقام و جایگاه انسان در نظام هستی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبُحْرِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾
(اسراء / ۷۰)

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم»
این آیه تأییدی بر شأن و شوکت انسان در میان آفریده‌ها است.

در وادی عرفان هم، تحت تأثیر این نگاه، به انسان توجه ویژه‌ای شده است. اصولاً همه تلاش عارفان این بوده است تا انسان را به حد کمال برسانند و جنبه‌های معنوی وجود او را از حالت بالقوه به حالت بالفعل درآورند. انسان در عرفان، دارای مقام عالی است که می‌تواند با قدم در سیر و سلوک به اصلی که از آن جدا شده است، باز گردد و فاصله میان خود و حق تعالی کاهش دهد. اصلی‌ترین روش برای نیل به این مقصود، فانی شدن از خویش است. در چنین شرایطی، آدمی به مرتبه‌ای می‌رسد که جز خدا را نمی‌بیند و مظهر اسما و صفات الهی و آیینه تمام‌نمای حق تعالی می‌شود. از دیدگاه مفسران عارف‌مسلک، انسان زمانی به مراتب عالی انسانیت دست می‌یابد که همی قابلیت‌های درونی خود را شکوفا کند. در این صورت، آدمی با تجربه کشف و شهود شناختی و معرفتی، به درجه اتحاد با خداوند می‌رسد. کسی که تکیه‌گاه انسانی را رها کند و مهار آن را از دست دهد و هوس‌های خود را آزاد گذارد و تمایلات نفسانی را راهبری نکند و در اطاعت از امیال پست، مطیع باشد، از موازین انسانی خود دور می‌شود

و به دلیل قصورات متعدد رفتاری، از اصل و حقیقت خود دور می‌ماند. «تزکیه روح یعنی پاک نمودن نفس از صفات رذیله که از صفات شیطانی هستند و هر یک در حد خود مهلک روح می‌باشند و انسان را از صراط مستقیم خارج و از رحمت الهی دور می‌گردانند» (موسوی گیلانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲۲). مسلماً با تهذیب نفس، ابعاد معنوی انسان چیرگی می‌یابد و به جایگاهی برتر از دیگر آفریده‌ها دست پیدا می‌کند. شاخصه‌های برتری انسان بر بسیاری از موجودات در نگاه مفسران عرفانی به شرح ذیل است:

- اسراری در خلقت وجود انسان است که در دیگر موجودات وجود ندارد. او خلیفه خدا در زمین است و در وجودش اضدادی همانند نور و ظلمت، حس و معنا و روح و جسم وجود دارد (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۲۱۸-۲۱۷).

- انسان موجودی توانمند با قدرت عقل و تمییز است (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۸۳؛ روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۲: ۳۷۳) و دلیل بهره‌مندی از این صفت این است که خداوند آدمی را به صورت خود آفریده است (ابن عربی، ۱۳۶۷ش: ۶۵).

- موهبت روح از جانب خداوند به او داده شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۲۰؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش: ۶۲۴).

- انسان موجودی با کمالات خاص است (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۴۰ و ۳۳۶). او باور دارد که انسان برترین موجود آفریده‌شده از سوی خداوند است. دلیل این برتری هم، در این است که حق تعالی در خلقت او مباشرت به «دیدن» کرد تا صفتهای متقابل را در او گرد آورد. در حالی که، مباشرت غیر او به «دید واحد» بوده است (ابن عربی، ۱۳۶۶ش: ۱۴۵). بنابراین، انسان از این ظرفیت برخوردار است که بتواند در آن واحد دو ویژگی متضاد را در خود داشته باشد و بروز دهد.

- انسان بر جهل غالب شده است (قشیری، بی‌تا، ج ۳: ۲۸).

برتری دادن پیامبران بر دیگر موجودات

در اندیشه دینی، پیامبران نسبت به سایر مردم از ویژگی‌هایی برخوردارند که دیگران از آن محروم هستند. بنابراین، بدون شک، پیامبران مورد عنایت الهی قرار گرفته‌اند، اما

این موهبت خدادادی ناشی از قابلیت و شایستگی اراده آنان است و همین امر سبب می‌شود که خداوند از میان افراد بشر آنان را برگزیند و با فضل خود پاداش و موهبت ویژه نبوت را به آن‌ها عطا نماید (سجده / ۲۴).

در تفسیرهای عرفانی نیز، به جایگاه برتر پیامبران نسبت به دیگر انسان‌ها تأکید شده است. از جمله اینکه، آن‌ها از علوم الهی برخوردار و از جهل و نادانی دور بودند (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ ش: ۸۳۴؛ قشیری، بی‌تا، ج ۳: ۲۸). بنابراین، فضل خداوند نسبت به پیامبران، بر اساس قابلیت و تلاش آن‌ها بوده و افزون بر این، اعطاء این موهبت، در واقع نوعی تفضل به کل بشریت و برای هدایت آن‌ها بوده است. به تعبیر دیگر، فضل پیامبران بر دیگر انسان‌ها نه بیانگر تبعیض میان انسان‌ها، بلکه بازگوکننده رحمت الهی بر بندگان دیگر است؛ زیرا از میان نوع بشر زبندگان را به این مقام نائل کرد تا بتوانند با هوش و تدبیر الهی خود، جامعه بشری را به سوی آرمانشهر معنوی سوق دهند.

برتری دادن قوم یهود بر دیگر قوم‌ها

در آیات:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره / ۴۷)

«ای بنی اسرائیل، یاد کنید از نعمت‌هایی که به شما عطا کردم و (به نعمت کتاب و رسول) شما را بر عالمیان برتری دادم»

﴿وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف / ۱۴۰)

«موسی گفت: آیا غیر خدا را برای شما به خدایی طلبیم، در صورتی که خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید؟!»

دو بار به برتری یهودیان بر عالمیان اشاره شده است. البته، این برتری که ناشی از فضیلت حق تعالی بوده، نه به لحاظ نژادی که از دید معرفتی و شناختی قابل تحلیل و بررسی است. به این معنا که خداوند به حرمت حضور موسی (ع) و نیز، سنت دینی کلیمی در میان قوم یهود، آن‌ها را از یوغ بندگی رها کنید و آزادی را نصیب آن‌ها کرد. مفسران نیز، باور دارند که این آیات «مبنی بر حصر است. یعنی تنها آفریدگار جهان شایسته پرستش است که شما را فضیلت داد و بر قبطنیان مسلط نمود و پیامبرانی چون

موسی کلیم و هارون مهربان(ع) برگزید و به پیشوایی شما فرستاد و فرعون، دشمن سرسخت شما را هلاک نمود»(حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۱۴). از دید حسینی همدانی، دلیل برتری یافتن یهودیان بر دیگر قوم‌ها در آن بازه زمانی، از میان برداشتن دشمنان توسط خداوند بوده است. به تعبیری، حق تعالی با لطف و فضل خود، موانع انسانی و غیر انسانی را از پیش روی آنان برداشت و به یهودیان در بند، عزت بخشید.

برتری مجاهدان بر ترک‌کنندگان جهاد

جهاد و مبارزه با دشمنان دین، بلندترین قله و بالاترین درجه برای مجاهدان است. خداوند برترین درجات را در قرآن کریم به مجاهدین و شهداء راه خود اعطا کرده است. مفسران نیز، باور دارند که مرتبت مجاهدان به قدری بالا و برجسته است که وقتی پای در میدان نبرد و مجاهده می‌گذارند، مقرب درگاه الهی می‌شوند و گناهان صغیر و کبیرشان بخشیده می‌شود(گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۵؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۲). به عبارتی، به تزکیه و تحلیه درونی می‌رسند و خویشتن انسانی خود را از قید و بند عالم ماده رها می‌کنند. خداوند متعال در مورد فضیلت و برتری مجاهدین نسبت به قاعدین (کسانی که جهاد نمی‌کنند) می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء / ۹۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس، هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید. این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است»

۲. رزق و روزی

در باورهای اسلامی، روزی‌دهنده و رزاق حقیقی، خداوند است. او تنها کسی است که روزی بندگان را می‌رساند و با سخاوت و بخشندگی، همگان را از موهبت‌های دنیایی و

معنوی برخوردار می‌کند. در «مفردات» راعب، رزق دارای معنا و مفهومی گسترده است، به گونه‌ای که اختصاص به رزق مادی و دنیوی ندارد. از این رو، در تعریف هر آنچه وارد شکم می‌شود، به کار می‌رود و رزق به عطایای جاری دنیا و آخرت هم، اطلاق می‌گردد (راعب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۱). رزق در لغت به معنای عطاء دائمی نیز، آمده است و باید گفت، کلمه رزق تنها به مادیات محدود نمی‌شود و مصداق‌های معنوی را در بر می‌گیرد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۸۲) در قرآن کریم (سوره‌های انعام / ۱۴۲؛ شورا / ۱۹؛ ق / ۱۱-۱۰؛ حج / ۲۸ و ۳۴)، چارپایانی مانند شتر، گاو و گوسفند به عنوان رزق‌های الهی معرفی شده‌اند. افزون بر این، از میوه‌ها (بقره / ۲۲ و ۲۵ و ۱۲۶)، گزائنگبین و من (بقره / ۵۴ و ۵۷)، خرما (نحل / ۶۷)، سلوا و بلدرچین (بقره / ۵۴ و ۵۷)، حبوبات و دانه‌های گیاهی و باغ و بوستان (ق / ۱۱-۹؛ سبا / ۱۵)، انگور (نحل / ۶۷) و باران (غافر / ۱۳؛ جاثیه / ۵) و... به عنوان رزق و روزی نیک و طیب معرفی شده است، اما از رزق‌های معنوی و اعطایی خداوند، می‌توان به مقام نبوت برای حضرت شعیب (ع) (هود / ۸۸-۸۷)، فرمانروایی و حکومت خداوند به بندگان صالح (آل عمران / ۲۶-۲۷) و وجود قرآن (واقعه / ۸۲) اشاره کرد. بنابراین، ابعاد دوگانه این ارزاق در قرآن بازنمایی شده است.

موردی که در ارتباط با رزق و فضل الهی مطرح می‌شود، «ابتغاء فضل» است. مفسران با توجه به آیه «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ...» به معنی «خدا رزق بعضی از شما را بر بعضی دیگر فزونی داده است» (نحل / ۷۱) بیان داشته‌اند که خداوند بعضی از مردم را در رزق و دارایی بر بعضی دیگر برتری داده و رزق آن چیزی است که مایه بقاء زندگی است و این تفاوت گاهی از جهت کمیت است، مانند فقر و غنا که شخص توانگر به چند برابر شخص فقیر برتری داده شده و گاهی از جهت کیفیت است. مانند: داشتن استقلال در تصرف در مال و نداشتن آن. مثل مولای آزاد که در تصرف در اموال خود مستقل است، ولی برده‌اش این استقلال را ندارد و جز با اذن مولایش نمی‌تواند تصرفی بکند و اینکه فرمود: «... فَمَا الَّذِينَ فَضَّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ...» مراد، قسم دوم از برتری است، یعنی برتری از جهت کیفیت (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱: ۴۳۲). نمادهای کیفی دیگر رزق عبارت‌اند از قناعت، توکل، کفایت، مشاهده (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۲: ۳۲۵). هوش، صحت و سقم، حسن و قبح (نووی جاوی، ۱۴۱۷م، ج ۱: ۵۹۹). گرچه جمله

«ابْتَعُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» یا تعبیرات مشابه آن در قرآن مجید، شاید غالباً به معنی طلب روزی و کسب و تجارت آمده، اما مفهوم این جمله گسترده است. بعضی آن را به معنی عیادت مریض، زیارت و تشییع جنازه مؤمن و تحصیل علم و دانش تفسیر کرده‌اند (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰: ۱۰۵؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش: ۲۵۷).

۳. نعمت‌های الهی

قرآن کریم برای هدایت بشریت از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از این روش‌ها یاد کردن نعمت‌های دنیوی و اخروی است. وجود نعمت‌ها، زیباترین جلوه فضل الهی را به خود اختصاص می‌دهند و زمینه‌های لازم را برای شادی و بهجت درونی مؤمنان راستین فراهم می‌سازند:

﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران / ۱۷۱)
«بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند، شادی می‌کنند»

خداوند در این آیه بیان می‌دارد که یکی از نعمت‌های ویژه او در حق مؤمنان، در نظر داشتن جزئی‌ترین اعمال آن‌ها و اعطای پاداش متناسب با آن کار است. همراهی «نعمت و فضل» در این آیه نشان می‌دهد که این دو مفهوم قرآنی در یک راستا تبیین شده‌اند و مقوله‌ای همسان را بازنمایی می‌کنند.

در «مفردات» راغب/اصفهانی در باب ماده «نعم»، معنای نعمت اینگونه بیان شده است: نعمت، حالت نیک و پسندیده است. ساخت نعمت برای بیان هیأت و حالت انسان است. مانند جلسه و رکبه که بیان نوعی نشستن و نوعی سوارشدن است. نعمت، اسم جنس است که برای کم و زیاد استعمال می‌شود. همچنین، به ناز و نعمت رسیدن و رفاه را «نعمت» گویند و ساخت آن برای بیان یک مرتبه کاری می‌باشد. مانند ضربه، شتمه که بر یک بار زدن و یک بار دشنام دادن دلالت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۴).

نعمت‌های الهی مصداق‌های متعددی دارند. در یک نگاه کلی، همه آیات الهی می‌توانند به عنوان نشانه‌های نعمات خدا به حساب آیند. در بسیاری از آیه‌های قرآن، از دنیا یا امکانات مادی تعبیر به «خیر» و از مواهب مادی تعبیر به «فضل» خدا (بقره/ ۸ و

(۲۹) شده و در سوره‌های دیگر، «عرض» و متاع فانی و مایه غفلت و غرور دانسته شده است (نساء/ ۹۴؛ حدید/ ۲۰؛ عنکبوت/ ۶۴؛ نور/ ۳۷). جهان آفرینش، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و شگفتی‌های خداوند است که با دیدن آن‌ها عظمت خدا را در جهان احساس می‌کنیم و غیر او را حقیر و کوچک می‌شماریم. همه این نشانه‌ها زمینه‌ساز ایجاد تعقل و تفکر در نوع بشر هستند (روم/ ۲۳) اصولاً یکی از دلایل خلقت پدیده‌های گوناگون، ایجاد نوعی شعور و کمال‌افزایی در مردمان اهل اندیشه است. به این معنا که آن‌ها با تدقیق در ژرفای هستی و مظاهر آن، به درک و بینش جدیدی از خداوند می‌رسند و او را به شیوه‌ای بایسته می‌شناسند. در تفسیرهای عرفانی، مصداق‌های گوناگونی برای نعمات الهی ذکر شده که عبارت است از عقل (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۸۸؛ همان، ج ۱: ۳۷)، شهادت در راه خدا (قشیری، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۶)؛ بشارت‌های الهی (همان: ۲۹۶)، مال و منال (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۴۴۲؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۸)، رسیدن به قرب الهی (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۳۰؛ روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۲: ۲۵)، قدرت (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۳۰)، معارف دینی و اخلاقی (همان: ۱۴۱)، علم و دانش (نووی جاوی، ۲۰۰۸م، ج ۱: ۱۹۷)، رسالت و عصمت پیامبر (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۰؛ قشیری، بی‌تا: ج ۲: ۱۰۴)، توفیق درک معرفت و مقامات و کرامات (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۸۸؛ همان، ج ۲: ۱۴۰ و ۱۵۶؛ روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۲: ۱۰۶)، دوام و استمرار توفیق و رحمت خداوند (همان: ۹۰)، قبولی اعمال (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۸۸)، وسعت رزق و سعه صدر (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۱۳)، پوشاندن سیئات و عدم محاسبه بدی‌ها (همان: ۲۸۱-۲۸۰؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۶۹)، امت وسط بودن (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۶۶-۶۵)، بهشت (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۷۰). چنانکه مشاهده می‌شود، در قرآن و نگاه مفسران، منظور از نعمت‌ها، مصداق‌های زمینی و معنوی آن هستند و در نظر گرفتن ابعاد زیستی و معنوی در تبیین نعمات الهی جالب توجه است. این امر نشان از آن دارد که عارفانی چون ابن عربی، روزبهان بقلی، قشیری و... تنها به امورات آن جهانی نمی‌اندیشند و به مسائل و دغدغه‌های این جهانی نوع بشر هم، واقف هستند و بدان اشاره می‌کنند. همچنین، بسیاری از این نعمت‌ها مصداقی عینی و ملموس دارند و برخی، انتزاعی هستند.

۴. پاداش الهی

فرمان‌پذیری بنده از خداوند با موهبت‌های متعددی برای او همراه خواهد بود. از جمله اینکه پاداش‌های دنیایی و اخروی را کسب می‌کند. چنانکه خداوند در قرآن، یکی از وجوه فضل را اعطای پاداش به اهل ایمان می‌داند و می‌گوید:

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ (روم / ۴۵)

«تا [خدا] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به فضل خویش پاداش دهد، که او کافران را دوست نمی‌دارد»

در سوره نساء هم به این نکته اشاره شده است که علاوه بر پاداش به اهل ایمان و عمل صالح، فضل خداوند بر آنان افزون می‌گردد:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نساء / ۱۷۳)

«پس آنان را که ایمان آورده و نیکوکار شده‌اند، اجر و ثواب تمام و کامل می‌دهد و به فضل خود بر آن می‌افزاید»

در آیات:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ

تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر / ۳۰-۲۹)

«کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتنی (پر سود و بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند. (آن‌ها این اعمال صالح را انجام می‌دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آن‌ها دهد و از فضلش بر آن‌ها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است»

آمده است که اهل علم با انجام اعمال صالح همچون اقامه نماز، انفاق، تلاوت کتاب الهی و... به پاداش الهی می‌رسند و خداوند از فضل خود بر رتبه و جایگاه آن می‌افزاید. در آیات ذکرشده، دو واژه «اجر» و «جزاء» در کنار فضل خداوند قرار گرفته‌اند. واژه «اجر» در لغت به معنای مزد، ثواب و پاداشی دنیوی یا اخروی است که در مقابل عمل نیک به انسان می‌رسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۱: ۲۵). انواع

اجر عبارت‌اند از «اجر عظیم» (نساء / ۴۰)؛ «اجر کبیر» (اسراء / ۹)؛ «اجر کریم» (احزاب / ۴۴) و «اجر غیر ممنون» (تین / ۶). واژه «جزاء» نیز به معنای پاداش، کیفر و مکافات آن آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۲: ۹۸).

نگاهی به متون تفسیری عرفانی نشان می‌دهد که آراء مفسران همسو با آیه‌های قرآن، فضل را رسیدن به پاداش الهی تعبیر کرده‌اند. ذیل آیه ۷۳ سوره نساء آمده است که «ای ثواب أعمالهم من غیر ان ینقص منها شیاً أصلاً ویزیدهم من فضله بتضعیفها أضعافاً مضاعفة ویاعطاء ما لا عین رأّت ولا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر» (حقّی بروسوی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۳۲). مفسر باور دارد که این پاداش‌ها قابل وصف نیستند و به قدری اهمیت و اعتبار دارند که به وسیله حواس عالم ماده و ظرفیت‌های این جهانی انسان‌ها فهمیده نمی‌شوند. از دید او، خداوند نه تنها ذره‌ای از اعمال روای بندگان خود نمی‌کاهد، بلکه فضیلت آن را چند برابر افزایش می‌دهد. بنابراین، معامله با خداوند، سراسر نیکانجامی و سودرسانی است. / بن عربی هم، در عبارت «فَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَصَفَاتِهِمْ مِنْ جَنَاتٍ صَفَاتِهِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بِالْوَجُودِ الْمَوْهُوبِ بَعْدَ الْفَنَاءِ فِي الذَّاتِ» (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۶۴)، با برجسته کردن مقوله عرفانی فناء فی الله و بقاء بالله، به این نکته اشاره می‌کند که سالکان راه حقیقت، هنگامی که از خود بیخود می‌شوند و به دریای اتحاد الهی می‌پیوندند، شامل فضل الهی می‌شوند و خداوند، صفات و خصوصیات خود را در ذات واصلان متبلور می‌سازد و این رویداد با عنایت به دور شدن آدمی از ویژگی‌های انسانی، قابل توجیه است. *نخجوانی* هم، نگاه عاشقانه خود را در تفسیر آیه:

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ (روم / ۴۵)

«تا خدا از فضل و کرم به آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند، پاداش دهد

که او کافران را دوست ندارد»

به کار می‌گیرد و از عشق الهی که به واسطه اعمال شایسته بندگان نصیب آن‌ها می‌شود، سخن می‌گوید. در سامانه فکری *نخجوانی*، عشق برابر و همسو با فضیلت الهی تعبیر و تلقی می‌شود: «ای یجزیهم من محض فضله و لطفه معهم و محبته إياهم بأضعاف ما استحقوا بأعمالهم وایمانهم» (*نخجوانی*، ۱۹۹۹م، ج ۲: ۱۲۴). این عبارات، رابطه میان

خالق و مخلوق را دوسویه و مبتنی بر مؤلفه‌های محبت و عشق توصیف می‌کند و توجه حق به بنده‌اش را از انواع فضل الهی می‌شمارد.

در نگاه مفسران که البته، از قرآن نشأت گرفته، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پاداش الهی به انسان، رضایت پروردگار است. بازتاب این موضوع در آیه:

﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/ ۷۲)

«و خشنودی خدا بزرگ‌تر است. این است همان کامیابی بزرگ»

دیده می‌شود. امام جواد(ع) در حدیثی، مسیر رسیدن به رضایت و خشنودی خداوند را چنین نمودار کرده‌اند: «ثَلَاثٌ يَبْلُغَنَّ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ وَخَفْضُ الْجَانِبِ وَكَثْرَةُ الصَّدَقَةِ» به معنی «سه چیز است که رضوان خداوند متعال را به بنده می‌رساند: زیاد استغفار کردن، فروتنی و زیاد صدقه دادن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ق، ج ۷۵: ۷۸). در تفسیر ابن عربی آمده که فضل همان مزید بر رضوان است. او ذیل تفسیر سوره آل عمران می‌گوید: «فإن الفضل هو المزيد على الرضوان» (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۱۳). قشیری نیز، چنین نگاهی را ذیل سوره نساء بازتاب داده است (قشیری، بی‌تا، ج ۱: ۳۲۹). دلیل تأکید مفسران بر این امر که بهره‌مندی از رضوان الهی برجسته‌ترین پاداش الهی محسوب می‌شود این است که بنده در سایه جلب رضایت الهی به مرتبه‌ای از اعتبار دست می‌یابد که هرچه از خداوند بخواهد، برای او محقق می‌شود و هنگامی که خشنودی خداوند از او ثابت شود، گویی همه موهبت‌های عظیم را در اختیارش گذاشته‌اند. به عبارت دیگر، رضوان الهی هم خود موهبتی عظیم است و هم، دیگر موهبت‌های دنیایی و مینوی را در بر می‌گیرد.

۵. توبه

گاهی از انسان به عنوان موجودی ممکن‌الخطا، اموری سر می‌زند که بر باطل و اشتباه است. با این حال، خداوند برای آنکه آدمی دچار یأس نشود و همواره امیدی به بازگشت به اصل انسانی خود داشته باشد، فرصتی را از طریق توبه کردن را اختیار او قرار داده است. توبه در لغت به معنای «دست کشیدن از گناه، بازگشتن بر طریق حق و پشیمانی از گناه» است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ذیل مدخل) توبه را می‌توان از الطاف و محبت‌های الهی

دانست که پس از گناه، جاده و راهی برای بازگشت ایجاد می‌شود تا بنده خطاکار به محض آگاهی از بدی گناه، از آن راه باز گردد و با تضرع به درگاه خداوند، خود را از وادی تباهی برهاند و با انجام مجموعه اقداماتی عملی، پشیمانی خود را هم با زبان و هم در عمل، نمایان کند. در آیه:

﴿ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (بقره/

۶۴)

«بعد از آن همه عهد و پیمان (از خدا) روی گردانیدید و اگر فضل و رحمت

خدا شامل حال شما نمی‌شد، البته در شمار زیان‌کاران بودید»

خداوند به صراحت بیان می‌دارد که تنها فضل و رحمت او باعث می‌شود در مجازات گناهکاران تأخیر به وجود بیاید و فرصت جبران برای آن‌ها باقی بماند. بنابراین، توبه یکی از راه‌های مهم در بهره‌مند شدن از فضل الهی محسوب می‌شود.
در آیه:

﴿وَمَا ظُنُّوا الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ

أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (یونس / ۶۰)

«کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، (درباره مجازات) روز قیامت چه گمانی

دارند؟ همانا خداوند دارای بخشش و احسان بر مردم است، ولی

بیش‌ترشان سپاسگزاری نمی‌کنند»

منظور از فضل خداوند، دادن فرصت توبه به گناهکاران می‌باشد. خداوند در این آیه، سعی دارد منکران و معاندان را برای بازگشت به مسیر حق ترغیب و الگویی از رستگاری را پیش چشم جان‌ان‌ها طراحی کند. در تفسیر عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ»، برخی مفسران آورده‌اند که منظور خداوند، «فی إمهال من أجرم، والعصمة لمن لم یجرم» به معنی «در تأخیر کسانی که مجرم هستند و عصمت آن‌هایی که جنایتی نکرده‌اند» است (قشیری، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۴) مفسر قصد دارد به ایجاد فرصت توبه برای همه مردم اشاره کند و این موضوع را تبیین کند که در این آیه، توبه نعمت بزرگ الهی برای انسان (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۲: ۱۰۶) و یکی از عوامل اصلی به تأخیر افتادن عذاب (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش: ۷۷۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱: ۳۳۳) است.

خداوند با فراخواندن بنده به توبه در واقع، عیوبش را می‌پوشاند و در آخرت، مغفرت و عفو خود را شامل او می‌گرداند (جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۵: ۲۳۲) و به وی یادآور می‌شود که علی‌رغم همه اشتباهات گذشته، باز هم می‌تواند به آینده‌ای روشن امیدوار باشد. این توصیف، معنای حقیقی واژه فضل است که در ژرفای خود، نوعی امید و رجا را مستتر دارد و این پیام مهم را به بندگان انتقال می‌دهد که با وجود قرار گرفتن در مراتب فرودین معرفت و شناخت، باز هم مشمول لطف الهی می‌شوند. این طرز تلقی از توبه که ذیل مفهوم کلان فضل ممکن می‌شود، انسان را از ایستایی و جمود خارج می‌کند و پویایی و کنش‌گری دینی و شناختی را به عنوان جریان سیال برای او باقی می‌گذارد.

نتیجه بحث

بررسی مفهوم قرآنی فضل در تفسیرهای عرفانی معتبر نشان داد که مفسران به کیفیت مادی و معنوی آن، به طور همزمان اشاره دارند و انسان بهره‌مند از فضیلت الهی را سعادت‌مند در دنیا و آخرت شمرده‌اند. در این تفسیرهای دسته‌بندی پنج‌گانه‌ای از کیفیت کاربست فضل دیده شد که عبارت‌اند از ۱. برتری دادن که شامل زیربخش‌هایی چون برتری دادن انسان به دیگر موجودات؛ برتری دادن پیامبران بر دیگر موجودات؛ برتری دادن قوم یهود بر دیگر قوم‌ها و برتری مجاهدان بر ترک‌کنندگان جهاد می‌شود. ۲. رزق و روزی. ۳. نعمت‌های الهی. ۴. پاداش الهی که مهم‌ترین آن، رضوان الهی است و ۵. توبه. در قرآن، با استفاده از مفهوم فضل، بسیاری از مفاهیم اخلاقی، دینی و معرفتی در اختیار گروه هدف قرار گرفته و برای آن‌ها تبیین شده است. به عبارت دیگر، مخاطب با گونه‌شناسی اصطلاح قرآنی فضل، با گنجینه‌های غنی شناختی آشنا می‌شود که در سایه عمل به آن‌ها به فردی کمال‌یافته بدل می‌گردد. در مجموع، پیشی‌گرفتن صفت فضل بر عدل الهی، نشان می‌دهد که آدمی به عنوان اشرف مخلوقات از جایگاه خاصی برخوردار است و خداوند قصد دارد با برجسته‌کردن این صفت خود در قرآن، به مخاطبان خود این پیام مهم معرفتی و شناختی را انتقال دهد که هدف از آفرینش، رسیدن به کمال و شکوفایی معنوی در سایه عنایات الهی است و رسیدن به این جایگاه بدون یاری و دست‌گیری حق تعالی امکان‌پذیر نخواهد بود. چنانکه با ایجاد امکان توبه فرصت

بازنگری در اعمال و برگزیدن راه مستقیم برای همه مردم در نظر گرفته شده است؛ زیرا اگر قرار بر این بود که عدل الهی بر سامانه آفرینش حاکم شود، به دلیل ممکن الخطا بودن نوع بشر، فرصت لازم برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی به حداقل می‌رسید. همچنین، مشخص شد که در نگاه مفسران، مهم‌ترین فضلی که خداوند بر بنده‌اش ارزانی می‌دارد، بهره‌مندی بنده از رضوان الهی است؛ زیرا سایر فضیلت‌ها ذیل آن مستتر و قابل دسترس هستند.



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن عجبیه، احمد بن محمد. ۱۴۱۹ق، **البحر المديد في تفسير القرآن المجيد**، تحقيق احمد عبدالله قرشي و رسلان زكي و دكتور حسن عباس، قاهره: بي نا.
- ابن عربي، محمد بن علي. ۱۳۶۷ش، **رسالة حقيقة الحقايق**، ترجمه شاه داعی شیرازی، مقدمه و تصحيح و تعليقات از نجيب مايل هروي، تهران: مولى.
- ابن عربي، محمد بن علي. ۱۴۲۲ق، **تفسير ابن عربي**، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مقاييس اللغة**، تحقيق و تصحيح از عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، به تحقيق و تصحيح: جمال الدين ميردامادي، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسين بن علي. ۱۴۰۸ق، **روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن**، مشهد: بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ألوسی، سيد محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم**، به تحقيق على عبدالباري عطيه، بيروت: دار الكتب العلمية.
- جمل، سليمان بن عمر. ۱۴۲۷ق، **الفتوحات الإلهية بتوضيح تفسير الجلالين**، بيروت: دار الكتب.
- حسيني همداني، سيد محمد. ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان**، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حقى بروسوى، اسماعيل. بی تا، **تفسير روح البيان**، بيروت: دار الفكر.
- دهخدا، على اكبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات في غريب القرآن**، به تحقيق صفوان عدنان داوودی، بيروت: دار القلم.
- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر. ۲۰۰۸م، **عرايس البيان في حقايق القرآن**، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سيوطی، عبدالرحمن ابن بی بكر. ۱۳۷۶ش، **ترجمه الإتقان في علوم القرآن**، به قلم سيدمهدی حائری قزوینی، به تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم، تهران: اميركبير.
- فراهیدی، خليل بن احمد. ۱۴۱۰ق، **العین**، چاپ دوم، قم: هجرت.
- قرشي، سيد على اكبر. ۱۳۷۱، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- قریب، محمد. ۱۳۶۶ش، **فرهنگ لغات قرآن**، تهران: بنياد.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. بی تا، **لطایف الإشارات**، چاپ سوم، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

کوثری، عباس. ۱۳۹۴ش، فرهنگنامه تحلیل وجوه و نظایر در قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کاشفی سبزواری، حسین بن علی. ۱۳۶۹ش، المواهب العلیة، تهران: اقبال.

گنابادی، سلطان محمد. ۱۴۰۸ق، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

میبدی، احمد بن محمد. ۱۳۷۱ش، کشف الأسرار و عدة الأبرار، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

نخجوانی، نعمت الله بن محمود. ۱۹۹۹م، الفواتح الإلهیة والمفاتيح الغیبیة، مصر: دار رکابی.

نووی جاوی، محمد بن عمر. ۱۴۱۷ق، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مقالات

موسوی گیلانی، سید جعفر و سید مجتبی موسوی گیلانی. ۱۳۹۸ش، «الگوی تهذیب نفس در قرآن با تکیه بر تفسیر المیزان»، فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۴۴۸-۴۲۱.

موسوی، مریم. ۱۳۹۰ش، «مفهوم‌شناسی فضل در قرآن و روایات»، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۴۹، صص ۸۶-۷۱.

Bibliography

Holy Quran.

Ibn Ajiba, Ahmed bin Muhammad. 1419 BC, Al-Bahr Al-Madid in the Interpretation of the Holy Qur'an, investigated by Ahmed Abdullah Qurashi, Raslan Zaki and Dr. Hassan Abbas, Cairo:

Ibn Arabi, Muhammad bin Ali. 1988, Rasa'il, Risalat Haqiqat al-Haqiqat, translated by Shah Da'i Shirazi, introduction, correction and comments by Najib Mail Haravi, Tehran: Mola Press

Ibn Arabi, Muhammad bin Ali. 1422 BC, Tafsir Ibn Arabi, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.

Ibn Faris, Ahmed. 1404 BC, Dictionary of Language Measures, Edited and Corrected by Abd al-Salam Muhammad Harun, Qom: Islamic Information Office.

Ibn Manzur, Muhammad bin Makram. 1414 BC, Lisan Al-Arab, Edited and Corrected by: Jamal Al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar Al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution - Dar Sader.

Abul Fotouh Razi, Hussein bin Ali. 1408 B.C., Rawd al-Jinan and the Spirit of Heaven in the interpretation of Holy Quran, Mashhad: Baniyad Pazhoohesh Eslami (Islamic research foundation) Astan Quds Razavi.

Alusi, Seyed Mahmoud. 1415 BC, The Spirit of Meanings in the Interpretation of Holy Quran, edited by Ali Abdel Bari Attia, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.

Jamal, Suleiman bin Omar. 1427 BC, The Divine Conquests with Clarification of the Interpretation of Al-Jalalain, Beirut: Dar Al-Kutub.

Hosseini Hamedani, Syed Muhammad. 1404 BC, Anwar Derakhshan, Tehran: Kitab Farooshi Lotfi.

Haghi Berosovi, Ismail. Beta, interpretation of the spirit of the statement, Beirut: Dar Al-Fikr.

Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammed. 1412 BC, Vocabulary in the Ghareeb of Holy Quran, edited by Safwan Adnan Daoudi, Beirut: Dar Al-Qalam.

Rozbhan Bakli, Rozbhan bin Abi Nasr. 2008 AD, Arayes al-Bayan fi Haqiqat al-Quran, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.

Siouti, Abd al-Rahman Ibn Bi Bakr. 1997, Translation of Perfection in the Sciences of Holy Quran, by Seyyed Mahdi Haeri Qazvini, with the correction of Muhammad Abul-Fadl Ibrahim, Tehran: Amir Kabir.

Farahidi, Khalil bin Ahmed. 1410 B.C., Al-Ain, Qom: Hijrah.

Qureyshi, Abdul Karim bin Hawazin. Lataif Al-Asharat, Egypt: The Egyptian General Book Organization.

Kawthari, Abbas. 2015, Farhangname analysis of faces and analogies of Holy Quran, Qom: An Islamic Reporting Book of the Seminary of Qom, Islamic Farhang.

Kashifi Sabzwari, Hussein bin Ali. 1990, Al-Mawaheb Al-Aliya, Tehran: Iqbal.

Gonabadi, Sultan Muhammad. 1408 BC, Interpretation of the Statement of Happiness in the Places of Worship, Beirut: Al-Alamy Publications Foundation.

Majali, Muhammad Baqer bin Muhammad Taqi. 1403 BC, Bihar Al-Anwar, edited and corrected by two investigators, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.

Mostafawi, Hassan. 1360 A.M., The Investigation into the Words of the Noble Qur'an, Tehran: Pengah, translation and publication of a book.

Mebdi, Ahmed bin Mohammed. 1371AM, Uncovering the Secrets and the Several of the Righteous, Tehran: Amirkabir.

Nakhjavani, Nematullah bin Mahmoud. 1999 AD, The Divine Conquests and the Unseen Keys, Egypt: Rakabi House.

Novi Jawi, Muhammad bin Omar. 1417 BC, Marah Labid le Kashf e Ma'ni Holy Qur'an, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.

Articles

Mousavi Gilani, Seyed Jafar and Seyed Mojtaba Mousavi Gilani. 1398, "The model of self-purification in Holy Quran based on the interpretation of Al-Mizan", Quarterly Journal of Quranic Studies, Islamic Azad University of Jiroft, Year 10, No. 40, pp. 421 – 448.

Mousavi, Maryam 1390, "The Conceptology of Grace in Holy Quran and Traditions", Monthly of Preachers, No. 149, pp. 71-86.

Study and Analysis of the Elegance Aspects in Mystical Interpretations

Receiving Date: 23 January,2020

Acceptance Date: 14 May,2020

Mokarram Mohammad Nia Kalimani: PhD Candidate, Faculty of Quran Science & Hadith, Islamic Azad University, Zanzan Branch

Hossein Moradi Zanzani: Assistant Professor, Faculty of Quran Science & Hadith, Islamic Azad University, Touyserkan Branch
hmoradiz@yahoo.com

Mohammad Hossein Saeni: Assistant Professor, Faculty of Religion & Myth, Islamic Azad University, Touyserkan Branch

Farhad Edrisi: Associate Professor, Faculty of Islamic Law & Jurisprudence, Islamic Azad University, Touyserkan Branch

Corresponding Author: Hossein Moradi Zanzani

Abstract

Elegance is a religious – Quranic term and also one of the attributes of God. Many commentators and narrators have pointed to the various dimensions of this concept and based on the verses of Holy Quran, have enumerated the quality and manner of applying it. Since, mystical interpreters who have seen the manifestation of Divine elegance in line with their Sufi profession have raised several arguments based on the Book of God. In this research, considering the descriptive – analytical method, the application of elegance in mystical interpretations and the opinions of commentators has been investigated. The results of the research show that the most important aspects of Divine elegance in these works are: 1. Superiority, which includes subsections such as the superiority of human over other beings; The superiority of prophets over other beings; The superiority of the Jewish people over other nations and the superiority of the Mujahideen over the abandoners of jihad 2. (daily) portion 3. Divine blessings 4. Divine rewards, the most important of which is Divine Paradise and 5. Repentance. Divine elegance takes precedence over Divine justice from interpreters' viewpoint, which indicates that the compassion of the Almighty surpasses His power.

Keywords: interpretation, myth, elegance, kindness, justice.